****

[تتمه بحث کفایت تقلیم اظفار بدون قص شعر 1](#_Toc488238355)

[بررسی وجوب حلق در عمره تمتع بر ملبد و معقوص 2](#_Toc488238356)

[کلام شیخ طوسی در وجوب حلق بر ملبد و معقوص 2](#_Toc488238357)

[اشکال محقق خوئی بر کلام شیخ طوسی 3](#_Toc488238358)

[مناقشه در کلام محقق خوئی ره 4](#_Toc488238359)

**موضوع**: احکام تقصیر /تقصیر /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## تتمه بحث کفایت تقلیم اظفار بدون قص شعر

گفتیم دلیل بر کفایت تقلیم اظفار بدون قص شعر، صحیحه سعید بن یسار است و دلیل بر این که تقصیر شعر بدون تقلیم اظفار کافی است، برخی روایات است، مثل روایت عبید الله حلبی که همسر او فقط قص شعر کرد، بدون این که تقلیم اظفار کند و حضرت فرمود رحمها الله کانت افقه منک.

ان قلت: شاید چون ضرورت بوده، به قص شعر اکتفاء کرده است.

قلت: ضرورتی نبوده است، علاوه بر این که حضرت اشکال به این شخص گرفتند که چرا تو کاری که همسرت کرد، انجام ندادی و ظاهرش تایید کار همسر اوست.

برادر عبید الله حلبی، یعنی محمد حلبی نیز از امام علیه السلام نظیر همین سوال را بدون نام بردن از شخص خاصی و به طور کلی پرسیده و فقط در آن عبارتی دارد که موهم این است که تقلیم اظفار نیز به همراه قص شعر انجام گرفته و از آن جا که بعید است دو قضیه نادر مستقل از هم بوده باشد، قرینه می شود که زن عبید الله حلبی بخشی از ناخن خود را نیز کوتاه کرده است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ امْرَأَةٍ مُتَمَتِّعَةٍ- عَاجَلَهَا زَوْجُهَا قَبْلَ أَنْ تُقَصِّرَ- فَلَمَّا تَخَوَّفَتْ أَنْ يَغْلِبَهَا أَهْوَتْ إِلَى قُرُونِهَا- فَقَرَضَتْ مِنْهَا بِأَسْنَانِهَا وَ قَرَضَتْ بِأَظَافِيرِهَا- هَلْ عَلَيْهَا شَيْ‌ءٌ قَالَ لَا- لَيْسَ كُلُّ أَحَدٍ يَجِدُ الْمَقَارِيضَ.[[1]](#footnote-1)

اما این قرینیت به نظر ما پذیرفته نیست، زیرا؛

اولا: قرضت باظافیرها، معنایش قرضت اظافیرها نیست، بلکه به این معنا است که قرضت بعض شعرها باظافیرها، یعنی با دندان و ناخنش، مقداری از موی خود را کوتاه کرد، نه این که ناخن خود را کوتاه کرد.

و ثانیا: حتی اگر این دو روایت، حاکی از یک واقعه هم باشند، ولی امام علیه السلام که از خارج برای بیان حکم یک قضیه استفاده نمی کند، و چون در روایت عبید الله حلبی سخن از تقلیم اظفار نبوده است و حضرت فرمود رحمها الله کانت افقه منک، همین برای اطلاق گیری کافی است، این که فرموده کانت هی افقه منک از از این باب است که چون از خارج می دانم که ناخن هم گرفته است!

جدا از این که سند روایت محمد حلبی از جهت محمد بن سنان نیز مخدوش است.

علاوه بر این که سیره متشرعیه بر اکتفاء به قص شعر در مقام تقصیر بوده است و لذا بدون اشکال، ضمیمه تقلیم اظفار به قص شعر لازم نیست.

## بررسی وجوب حلق در عمره تمتع بر ملبد و معقوص

### کلام شیخ طوسی در وجوب حلق بر ملبد و معقوص

از شیخ طوسی در تهذیب نقل شده که فرموده از وجوب تقصیر در عمره تمتع، ملبد و معقوص استثناء شده اند و در عوض واجب است که حلق کنند، دلیل ایشان عده ای از روایات است:

صحیحه هشام: وَ عَنْهُ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِذَا عَقَصَ الرَّجُلُ رَأْسَهُ أَوْ لَبَّدَهُ فِي الْحَجِّ أَوِ الْعُمْرَةِ- فَقَدْ وَجَبَ عَلَيْهِ الْحَلْقُ.[[2]](#footnote-2)

ایشان فرموده این صحیحه اطلاق دارد و شامل عمره تمتع می شود.

صحیحه عیص: وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عِيصٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ عَقَصَ شَعْرَ رَأْسِهِ وَ هُوَ مُتَمَتِّعٌ- ثُمَّ قَدِمَ مَكَّةَ فَقَضَى نُسُكَهُ وَ حَلَّ عِقَاصَ رَأْسِهِ- فَقَصَّرَ وَ ادَّهَنَ وَ أَحَلَّ قَالَ عَلَيْهِ دَمُ شَاةٍ.[[3]](#footnote-3)

به این تقریب که وجوب دم شاة بر این شخص، به این جهت است که چرا حلق نکرده و به تقصیر اکتفاء کرده است.

صحیحه معاویة بن عمار: وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَقَصْتَ شَعْرَ رَأْسِكَ أَوْ لَبَّدْتَهُ- فَقَدْ وَجَبَ عَلَيْكَ الْحَلْقُ- وَ لَيْسَ لَكَ التَّقْصِيرُ- وَ إِنْ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَمُخَيَّرٌ لَكَ- التَّقْصِيرُ وَ الْحَلْقُ فِي الْحَجِّ أَفْضَلُ- وَ لَيْسَ فِي الْمُتْعَةِ إِلَّا التَّقْصِيرُ.[[4]](#footnote-4)

#### اشکال محقق خوئی بر کلام شیخ طوسی

محقق خوئی به مرحوم شیخ اشکال کرده، اما نسبت به دلالت روایت اول، اشکال کرده که عمره در مقابل حج، ظاهرش عمره مفرده است و نه عمره تمتع، گرچه چنین نیست که عمره مطلقا منصرف به عمره مفرده باشد، اما وقتی در مقابل حج بکار می رود، به عمره مفرده انصراف دارد.

روایت دوم نیز که داشت قضی نسکه، شاید مقصود قضی جمیع نسکه باشد، متمتع نیز وقتی جمیع نسک را اداء کرده که حج را تمام کند، نه وقتی که عمره تمتع را انجام داده باشد و روایت نفرمود قضی نسک عمرة تمتعه، لذا چه بسا روایت توبیخ کند بر ترک حلق در حج تمتع، نه عمره تمتع.

روایت سوم نیز که اصلا دلالت بر عکس مطلب دارد و دلالت دارد که معقوص و ملبد در عمره تمتع باید تقصیر کنند، جمله و لیس فی المتعة الا التقصیر ظاهرش این است که در قبال همه جمله سابقه آورده شده، یعنی حاج در حج مخیر است بین تقصیر و حلق، مگر معقوص و ملبد باشد که باید حلق کند، اما در متعه جز تقصیر نداریم و اطلاقش شامل ملبد و معقوص هر دو می شود.

بعد ایشان فرموده اگر روایت اول و سوم هم ظهورشان در این بود که معقوص و ملبد در عمره تمتع باید حلق کنند، باز با روایت سوم آن دو روایت را تقیید می زدیم.

علاوه بر این که اگر قرار بود که بر ملبد و معقوص، حلق در عمره تمتع واجب باشد، لو کان لبان، زیرا این گونه اشخاص در قدیم زیاد بوده اند و کسی هم غیر از شیخ طوسی به وجوب حلق فتوا نداده است و لذا عند الشک به اطلاقاتی رجوع می کنیم که می گوید در عمره تمتع تقصیر لازم و مجزی است.

##### مناقشه در کلام محقق خوئی ره

اما روایت اول، فی الحج و العمرة دارد و شامل عمره تمتع هم می شود، و این مطلب مستفاد از برخی روایات است، مثل معتبره اسحاق بن عمار: وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) عَنِ الْمُتَمَتِّعِ يَجِي‌ءُ فَيَقْضِي مُتْعَتَهُ- ثُمَّ تَبْدُو لَهُ الْحَاجَةُ فَيَخْرُجُ إِلَى الْمَدِينَةِ- وَ إِلَى‌ ذَاتِ عِرْقٍ أَوْ إِلَى بَعْضِ الْمَعَادِنِ- قَالَ يَرْجِعُ إِلَى مَكَّةَ بِعُمْرَةٍ إِنْ كَانَ فِي غَيْرِ الشَّهْرِ- الَّذِي تَمَتَّعَ فِيهِ لِأَنَّ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةً- وَ هُوَ مُرْتَهَنٌ بِالْحَجِّ قُلْتُ- فَإِنَّهُ دَخَلَ فِي الشَّهْرِ الَّذِي خَرَجَ فِيهِ- قَالَ كَانَ أَبِي مُجَاوِراً هَاهُنَا فَخَرَجَ- يَتَلَقَّى بَعْضَ هَؤُلَاءِ فَلَمَّا رَجَعَ- فَبَلَغَ ذَاتَ عِرْقٍ أَحْرَمَ مِنْ ذَاتِ عِرْقٍ بِالْحَجِّ- وَ دَخَلَ وَ هُوَ مُحْرِمٌ بِالْحَجِّ.[[5]](#footnote-5)

امام علیه السلام نسبت به کسی که بعد از عمره تمتع بیرون از مکه می رود، فرموده اگر زمان رجوعش به مکه، بعد از ماهی است که در آن عمره به جا آورده، باید عمره جدید انجام دهد، لان لکل شهر عمرة، این عمره جدید نیز در مفروض سوال، عمره تمتع است، زیرا می خواهد بعد از آن حج بجا آورد و حضرت نسبت به آن، کلمه عمره به طور مطلق را بکار بردند.

و مثل صحیحه معاویة بن عمار: وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ ابْنِ الْمُغِيرَةِ كُلِّهِمْ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ نَحْنُ بِالْمَدِينَةِ إِنِّي اعْتَمَرْتُ- فِي رَجَبٍ وَ أَنَا أُرِيدُ الْحَجَّ فَأَسُوقُ الْهَدْيَ- أَوْ أُفْرِدُ الْحَجَّ أَوْ أَتَمَتَّعُ قَالَ فِي كُلٍّ فَضْلٌ- وَ كُلٌّ حَسَنٌ قُلْتُ فَأَيُّ ذَلِكَ أَفْضَلُ- فَقَالَ إِنَّ عَلِيّاً (عليه السلام) كَانَ يَقُولُ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ- تَمَتَّعْ فَهُوَ وَ اللَّهِ أَفْضَلُ ثُمَّ قَالَ- إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَقُولُونَ إِنَّ عُمْرَتَهُ عِرَاقِيَّةٌ- وَ حَجَّتَهُ مَكِّيَّةٌ وَ كَذَبُوا- أَ وَ لَيْسَ هُوَ مُرْتَبِطاً بِحَجَّةٍ لَا يَخْرُجُ حَتَّى يَقْضِيَهُ.[[6]](#footnote-6)

در این روایت فرمود إِنَّ عَلِيّاً (عليه السلام) كَانَ يَقُولُ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ- تَمَتَّعْ، ارتباط تمتع با فرمایش حضرت امیر علیه السلام این است که تمتع انجام بده که دارای عمره هم باشد و مشمول لکل شهر عمرة بشود، لذا این عبارت بر عمره تمتع در این روایت تطبیق شده است.

البته ممکن است محقق خوئی بگوید در این روایت، عمره در مقابل حج ذکر نشده است، در جایی که در قبال هم باشد، ما منصرف به عمره مفرده می دانیم، اما به نظر ما وجهی برای این کلام وجود ندارد و مهم این است که مطلقا ظهور عمره، اعم از عمره تمتع است.

و معتبره حسن بن علی وشاء: وَ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ بْنِ بِنْتِ إِلْيَاسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: إِذَا أُهِلَّ هِلَالُ ذِي الْحِجَّةِ وَ نَحْنُ بِالْمَدِينَةِ- لَمْ يَكُنْ لَنَا أَنْ نُحْرِمَ إِلَّا بِالْحَجِّ لِأَنَّا نُحْرِمُ مِنَ الشَّجَرَةِ- وَ هُوَ الَّذِي وَقَّتَ رَسُولُ اللَّهِ ص- وَ أَنْتُمْ إِذَا قَدِمْتُمْ مِنَ الْعِرَاقِ فَأُهِلَّ الْهِلَالُ فَلَكُمْ أَنْ تَعْتَمِرُوا- لِأَنَّ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ ذَاتَ عِرْقٍ وَ غَيْرَهَا مِمَّا وَقَّتَ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص- فَقَالَ لَهُ الْفَضْلُ بْنُ الرَّبِيعِ فَلِيَ الْآنَ أَنْ أَتَمَتَّعَ- وَ قَدْ طُفْتُ بِالْبَيْتِ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَذَهَبَ بِهَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ إِلَى سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ وَ أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ إِنَّ فُلَاناً يَقُولُ كَذَا وَ كَذَا يُشَنِّعُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ ع.[[7]](#footnote-7)

حضرت فرمود ما اهل مدینه با مکه فاصله داریم و اگر به هنگام دخول ماه ذی الحجة در شجره محرم شویم به اعمال تمتع نمی رسیم، زیرا هشت روز فاصله تا مکه دارد و باید به حج محرم شویم، اما شما که اهل عراق هستید به ذات عرق می رسید که با مکه دو روز فاصله دارد و لذا هنوز وقت باقی است و می توانید اعمال عمره تمتع انجام دهید، مقصود از فلکم ان تعتمروا، همان عمره تمتع است و لذا بعد سائل پرسید فلی الان ان اتمتع و معلوم می شود که عمره تمتع از کلام امام علیه السلام فهمید.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص509، أبواب أنه یجزی إبانة مسمی الظفر...، باب3، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/509/المقاریض) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص222، أبواب أن الحاج مخیر بین الحلق و التقصیر...، باب7، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/222/عقص) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص224، أبواب أن الحاج مخیر بین الحلق و التقصیر...، باب7، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/224/نسکه) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص224، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/224/فمخیر) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص303، أبواب وجوب الإتیان بعمرة التمتع و...، باب22، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/303/المعادن) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص251، أبواب استحباب اختیار حج التمتع...، باب4، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/251/عمرته) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص314، أبواب أنه یجوز أن یعتمر فی أشهر الحج...، باب7، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/314/طفت) [↑](#footnote-ref-7)